



## معنای سعادت واقعی / چند حدیث درباره خوشبختی حقیقی

سعادت واقعی آن است که تمام اخلاق فاضله و مکارم اخلاق برای انسان ملکه شود و انسان در هر يك از فضایل اخلاق آن قدرقوي و نیرومند شود که انجام دادن و به کار انداختن هر يك از آنها برایش آسان و بلکه لذت بخش باشد.

سعادت واقعی آن است که تمام اخلاق فاضله و مکارم اخلاق برای انسان ملکه شود و انسان در هر يك از فضایل اخلاق آن قدرقوي و نیرومند شود که انجام دادن و به کار انداختن هر يك از آنها برایش آسان و بلکه لذت بخش باشد.

حضرت علی (ع) می فرماید: "هر کس در به صلاح آوردن نفس خود تلاش کند، سعادت مند گردد و هر کس به خاطر لذت نفسانی در این امر کوتاهی کند، بدبخت گردد و از رحمت حق تعالی دور شود". بر همین اساس، سعادت و حسن عاقبت در گرو تزکیه نفس است. اما لازم است بدانیم که سعادت و شقاوت چیست و از چه راهی کسب می شود. سعادت به معنای خوشبختی و نیکبختی و شقاوت به معنای بدبختی است. گروهی بر این عقیده هستند که سعادت انسان، در تقویت بنیه مالی و ازدیاد ثروت و یا در به دست آوردن پست و مقام است. اینها فکر می کنند که هر چه مال و ثروت انسان بیشتر باشد و اموال و املاک و امکانات رفاهی بیشتر داشته باشند به سعادت و خوشبختی دست یافته است.

پایه و اساس این دیدگاه، همان تفکر مادی است که آنان بر اساس این تفکر جهان را در چهارچوب مادیت محصور نموده، عالم آخرت و جهان ماورای طبیعت را درک نمی کنند و مورد پذیرش قرار نمی دهند، اما گروهی دیگر اموال و املاک مقامات و عناوین را ملاک سعادت و خوشبختی نمی بینند، بلکه همه آنها را احیانا مایه بدبختی و پایه وزر و بال می شمارند. این گروه سعادت و خوشبختی را در گرو سلامت روان و وصول به کمال انسانیت می دانند. اینها که همان الهیون هستند، می گویند مادیون جهان خارج را با تنگ نظری و با دیده نیمه باز می نگرند و تمام جهان را در ماده و مادیات محصور می کنند، اما اگر این گونه بیندیشیم که این ماده، ماورایی دارد و برای این دنیا عاقبت و آخرتی هست و در نهایت، عالم را با يك دید و سبب تر بنگریم، دیگر مال و جاه و پست و مقام را سعادت نخواهیم دانست، زیرا دنیا در برابر آخرت چیز قابل توجهی نیست. همه امور دنیوی در برابر آخرت کمتر از ذره ای است.

بر اساس دیدگاه الهیون، ما نباید سعادت و خوشبختی زودگذر را با سعادت جاودانی اشتباه بگیریم. در اصل سعادت واقعی آن است که تمام اخلاق فاضله و مکارم اخلاق برای انسان ملکه شود. به سخنی دیگر، انسان در هر يك از فضایل اخلاق آن قدرقوي و نیرومند شود که انجام دادن و به کار انداختن هر يك از آنها برایش آسان و بلکه لذت بخش باشد.

از این تعریف دو نکته بدست می آید؛ یکی اینکه، اگر انسان در برابر ناملایمات، صبر و شکیبایی را بر خود هموار سازد یا در برابر اهانت و بی ادبی دیگران با زحمت و مشقت عکس العمل نشان دهد و بلاخره در مقام اجرا و به کارگیری هر فضیلتی، با تکلف و سختی آن را به کار گیرد این شخص گرچه انسان بسیار خوبی است، اما باید گفت هنوز به سعادت واقعی نرسیده است و به کمال انسانیت نایل نشده است. سعادت مند واقعی و انسان کامل کسی است که فضایل اخلاقی برایش ملکه شده باشد و اجرای هر فضیلتی برایش آسان باشد، نه مشکل.

دوم اینکه، سعادت کامل آن گاه تحقق می پذیرد که انسان تمام ریشه های اخلاق و صفات منشعب از آن را به دست آورده باشد نه تنها برخی از آنها را؛ پس اگر شخصی برخی از فضایل اخلاقی را به طور کامل کسب نموده، اما به پاره دیگر آن دست نیافته باشد، او نیز هنوز به سعادت واقعی دست نیافته است. سعادت واقعی به هنگامی است که اخلاقیات برای او ملکه گشته باشد و به تماش نایل شده باشد.

سلامت روان نیز همانند سلامت بدن است. بدن در صورتی کاملاً سالم است که تمام اعضای ریز و درشت، از لحاظ ظاهری و باطنی سالم باشد. اگر اکثر اعضای بدن کسی سالم باشد اما چشم او نبیند، یا گوش او نشنود. نمی‌توان گفت بدن او سالم است، در صورتی حقیقتاً نه مجازاً می‌توان گفت بدن سالم است که تمام اعضا و اجزای اصلی و غیر اصلی سالم باشد و گرنه اطلاق سالم بر آن بدن مجاز خواهد بود.

همچنین است سلامت و سعادت، نسبت به روان کسی که در برابر مصایب صبر می‌کند، اما به هنگام سخاوت به ستم‌دیدگان کمک نمی‌کند و بخل می‌ورزد، و کسی که در محیط خارج از منزل خوش رویی می‌کند اما در محیط منزل به خانواده خود بدخلقی می‌کند، نمی‌توان به او انسان کامل و سعادت‌مند گفت؛ چون نسبت به بعضی از اخلاقیات ناقص است. سعادت‌مند واقعی، انسانی است که در تمام اخلاقیات، سرآمد بوده و با علاقه به آنها عمل کند.

رسول خدا(ص) می‌فرماید: خوشبخت و سعادت‌مند واقعی کسی است که بهشت ماندگاری را که نعمت‌های آن دنباله دار است، بر جهان فانی‌ای که عذاب ناشی از آن تمامی نمی‌پذیرد، ترجیح دهد. حضرت علی(ع) هم می‌فرماید: سعادت‌مند کسی است که خالصانه اطاعت کند.

امام صادق(ع) می‌فرماید: این چنین نیست که هر کسی نیت کاری کند، بر آن توانایی یابد و هر کس که بر آن توانایی یابد، توفیق انجامش را پیدا کند و هر کس که توفیق انجام آن را پیدا کند، به هدف نائل گردد؛ پس اگر نیت و قدرت و رسیدن به هدف با هم جمع گردد، سعادت کامل گردد.